

گزارش

غزل رضایی‌ثانی

گروه اجتماعی

گاهی دشواری وظیفه، خیلی سخت‌تر از چیزی است که به نظر می‌رسد. رد شدن از آوار کوه و با پای پیاده رسیدن به مدرسه کار ساده‌ای نیست. یا بیرون آوردن بچه‌های در خود مانده و رساندنشان به آگاهی. دشواری درس آموختن به بچه‌هایی که کلاً آموزش را نمی‌پذیرند و نمی‌توانند حتی پشت نیمکت کلاس بنشینند و با آرامش و سکون هیچ آشنایی نداشته‌اند. یکی دیگر، قهرمان پاورلیفتینگ جهان است و درس قهرمانی می‌دهد. معلمی شغل است، اما بعضی‌ها این شغل را خیلی جدی می‌گیرند، نه از سر عادت و نه از سر وظیفه، بلکه از دل انجاش می‌دهند، برای همین هم هست که ماندگار می‌شوند و می‌مانند.

تدریس کرده‌ام، اما همان زمان هم بشدت عاشق بچه‌ها بودم. همین علاقه‌ام به بچه‌ها باعث شد آزمون آموزش و پرورش را بدهم، به دانشگاه بروم و استخدام آموزش و پرورش شوم.». حالا ۲۲ سال است به دانش‌آموزان کلاس اولی درس می‌دهد: «۳۱ سال از تدریس من در مدارس می‌گذرد که ۲۲ سال آن را فقط با دانش‌آموزان اول ابتدایی گذراندم که آنها همیشه برای من دوست داشتنی و عزیز هستند به همین دلیل در این ۲۲ سال تجربه هیچ وقت دلم نخواست در مقطع دیگری درس بدهم. البته خودم دو فرزند دارم؛ یک دختر و یک پسر. دخترم لیسانسش را گرفته و پسرم دانشجوی کارشناسی است. با وجود داشتن دو فرزند، علاقه‌ام به کودکان مرا در این کار نگه داشت.»

برای این معلم، کودکان یک دفتر نقاشی سفید هستند که می‌توان در آن هر طرح و نقاشی‌ای کشید: «کودکان روح پاک و لطیفی دارند و همین موجب می‌شود کار کردن با کودکان به من حس خوبی بدهد. البته خودم هم آدم با نشاطی هستم. همیشه سعی می‌کنم با کمی سیاست خودم را در دل کودکان جا بدهم تا آنها هم مرا دوست داشته باشند. ولی حس من فقط به دوست داشتن ختم نمی‌شود؛ وقتی دانش‌آموزم در آخر سال با سواد می‌شود، کیف می‌کنم. سال‌هاست مباحث کلاس اول را برای خودم و برای دانش‌آموزانم تکرار می‌کنم، به همین دلیل خوب می‌دانم وقتی دانش‌آموزانم از کلاس اول به پایه بعدی می‌روند، باسواد هستند. از خودم تعریف نمی‌کنم اما تجربه باعث شده باشم که این تخصص را به دست بیآورم و خیالم از بساودی دانش‌آموزانم راحت باشد.». او ۲۳ سال در مدرسه حضرت رقیه(س) بابل درس داده و خانه‌اش رویه‌روی

درس دادن به دانش‌آموزان مبتلا به اوتیسم برای هر معلمی کار دشواری است. آموزش به کودک اوتیسم آن هم در پایه اول ابتدایی صبری می‌خواهد که شاید از عهده هر کسی برنیاید. اما نام یکی از معلم‌های شهر بابل با صبوری گره خورده است. امسال سی‌ویک سال است که از تجربه عظمی جعفری در کلاس درس و مدرسه می‌گذرد. قرار بود امسال بازنشسته شود اما مدیر مدرسه با بازنشستگی او موافقت نکرد تا زمانی که معلمی همانند او برای مدرسه پیدا شود.



عظمی جعفری معلم پایه اول ابتدایی است که رابطه دوستانه‌اش با کودکان او را پایبند کلاس درس کرده است. جعفری درباره تجربه دیرینه خود از آموزش به کودکان عادی و اوتیسمی می‌گوید: «من متولد سال ۱۳۴۵ هستم. کارم را در نهضت سوادآموزی شروع کردم. تازه دبلم گرفته بودم و یک جوان ۱۸ساله بودم. در نهضت سوادآموزی به دانش‌آموزان و افراد لازم‌التعلیم آموزش می‌دادم و حتی در مناطق محروم هم



عظمی جعفری

دیدار با معلمانی که نه از سر عادت، بلکه فداکارانه به کلاس درس می‌روند

حکایت سه عاشق

مدرسه است اما هنوز با گذشت سال‌ها پیگیر دانش‌آموزانش است: «همیشه پیگیر این هستم که بدانم دانش‌آموزانم به کجا رسیده‌اند و چه شده‌اند. از اینکه ببینم آنها به جایی رسیده‌اند لذت می‌برم. بعد از سال‌ها همچنان دانش‌آموزانم و برخی از والدین آنها را می‌بینم. سال گذشته یکی از دانش‌آموزانم را دیدم که دندانپزشکی قبول شده بود. این دانش‌آموزم که هم خودش و هم دختر خاله‌اش دانش‌آموز من بودند، سالی چند بار به من زنگ می‌زدند. حتی چند وقت پیش مادران سه نفر از دانش‌آموزانم را دیدم که هر سه آنها گفتند فرزندشان در دانشگاه فرهنگیان قبول شده و از اینکه قرار است معلم شوند خوشحالند. صادقانه می‌گویم، وقتی یکی از دانش‌آموزانم به جایی می‌رسد، برای آنها بیش از موفقیت فرزندانم خودم خوشحال می‌شوم.» اما مهم‌ترین قسمت خاطرات این معلم بابلی به زمان تدریس دانش‌آموزان اوتیسمی برمی‌گردد: «دانش‌آموزان اوتیسم از نظر تمرکز خیلی ضعیف و متفاوت هستند. به هیچ وجه در کلاس تمرکز ندارند و نمی‌توانند مثل بچه‌های دیگر درس بخوانند. مگر اینکه معلم کم‌کم قلق آنها را به دست بیاورد. یک دانش‌آموز داشتم به محض اینکه درس شروع می‌شد، تمام مدت در کلاس راه می‌رفت و غذا می‌خورد تا اینکه کم‌کم به او یاد دادم در کلاس درس بنشیند. یک دانش‌آموز دیگرم، هم مبتلا به اوتیسم بود و هم بیش‌فعال و از یک مدرسه غیرانتفاعی آمده بود، به هیچ وجه آموزش پذیر نبود. برای همین او را به خانه‌ام بردم تا خصوصی به او درس بدهم، اما در همان جلسه اول به من حمله کرد و مرا کتک زد. پدرم که متوجه سرودا شده بود از اتاقش بیرون آمد، شاگردم او را دید و ناگهان ایستاد و آرام شد. من هم از این موضوع استفاده کردم. بعدها هر وقت که به خانه ما می‌آمد، از من می‌پرسید، پدر هست و من هم می‌گفتم بله در اتاق خواب است، آرام می‌نشست و به درس گوش می‌داد. این دانش‌آموز تا پایان کلاس دوم شاگردم نبود و بعد از چند سال مرا در خیابان دید و پیش از اینکه من او را ببینم مرا در آغوش گرفت. یک دانش‌آموز دیگر هم داشتم که بیش‌فعال شدید بود



معلم قهرمان

اما قصه مهدی ایوبی، معلمی که قهرمان جهان شده، کمی فرق می‌کند. او قهرمان پاورلیفتینگ است و توانسته مقام اول جهان را هم کسب کند. همین روحیه ورزشی او در دانش‌آموزانش نیز دیده

می‌شود. مهدی ایوبی معلم تربیت بدنی در شهرستان گرمسار است و ۱۵ سال از تدریس او در مقاطع ابتدایی تا دبیرستان به عنوان معلم تربیت بدنی می‌گذرد. ایوبی می‌گوید: «در حال حاضر در مقطع متوسطه دوم در مدرسه امام علی(ع) و دبیرستان امام رضا شهرستان گرمسار مشغول تدریس تربیت بدنی به دانش‌آموزانم هستم. در این سال‌ها سعی کرده‌ام دانش‌آموزانم را هم به ورزش علاقه‌مند کنم و هم از آنها قهرمان بسازم.» او از ۱۲ سالگی رشته بدنسازی، پرورش اندام و ورزش‌های قدرتی را زیر نظر برادرانش که هر دو از قهرمانان کشور هستند، شروع کرده است: «بعد از بدنسازی کم‌کم به ورزش‌های قدرتی علاقه‌مند شدم و در اولین مسابقات پاورلیفتینگ استان تهران مقام قهرمانی را به دست آوردم. به مرور به تمرین‌هایم ادامه دادم تا در سن



عظمی

جعفری:

همیشه پیگیر

این هستم

که بدانم

دانش‌آموزانم

به کجا

رسیده‌اند و

چه شده‌اند.

از اینکه ببینم

آنها به جایی

رسیده‌اند

لذت می‌برم.

بعد از سال‌ها

همچنان

دانش‌آموزانم

و برخی از

والدین آنها را

می‌بینم. سال

گذشته یکی از

دانش‌آموزانم

را دیدم که

دندانپزشکی

قبول شده

بود

دو ساعت پیاده روی با پای مصنوعی



برش

یکی دیگر از معلمانی که به سادگی نمی‌توان از کنار نامشان گذشت، هوشنگ ارسلاتی‌نژاد است. او در استان بوشهر، شهرستان کنگان، بخش سیراف، روستای لاورگل تدریس می‌کند و با وجود معلولیت شدید از ناحیه پا، سال‌هاست که مسیر طولانی‌ای را از خانه خود که در روستای پرک قرار دارد به روستای لاورگل می‌پیماید. او هر روز این مسیر را پیاده طی می‌کند یا با وسیله نقلیه اهالی روستا به هر شکلی شده خود را به مدرسه می‌رساند. اما نقطه عطف سختی وظیفه این معلم از ریزش کوه شروع شد؛ زمانی که کوهی در منطقه سیراف ریزش کرد و جاده را بست، این معلم مجبور بود هر روز تا بازگشایی جاده از مسیر صعب‌العبور بگذرد و به مدرسه برسد؛ «کوه که ریزش کرد، مسیر تردد با ماشین را بست ولی چاره‌ای نبود باید به مدرسه می‌رفتم. با وجود معلولیت پا، مسیر را پیاده طی می‌کردم تا به مدرسه برسم، گاهی هم اگر کسی رد می‌شد مرا با موتور به مدرسه می‌رساند. در این منطقه دو روستا هست که من به دانش‌آموزانم هر دو روستا درس می‌دهم. منطقه ما بسیار صعب‌العبور است. وقتی بارندگی شود یا کوه ریزش کند، راه کاملاً بسته می‌شود و گاهی مجبور می‌شوم در روستا بمانم و از خانواده‌ام دور باشم و چند روز صبر کنم تا دوباره راه باز شود. البته معلولیت من شرایط را براریم بدتر کرده است. هزینه کفش و پای مصنوعی هم خیلی زیاد است. باید هر شش ماه ۳۰ میلیون تومان بدهم و کفش و پای مصنوعی‌ام را عوض کنم. اما خیلی بخواهم به خودم برسم، هر دو سال می‌توانم آنها را عوض کنم و با همان پای مصنوعی خراب زندگی می‌کنم.»

او یکی از معدود معلم‌های مدرسه روستای لاورگل در منطقه سیراف بوشهر است: «مدرسه‌ای که من در آن تدریس می‌کنم چند پایه دارد، وقتی بجز من معلمی نباشد، از کلاس اول تا ششم را خودم درس می‌دهم، ولی زمانی که معلم به منطقه ارسال کنند، شش پایه را به دو کلاس تقسیم می‌کنیم.»



یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

- ۳- جسارت و دلبری - مار خطرناک - آهنگ
- ۴- عددی دو رقمی - اثر-رسیده زهر-حسینی - ضد «خشک» - غذای بیمار
- ۵- کژاد- آدمک و پترین - سطح
- ۶- خشکی -رها کردن گلوله - ساقه بعضی از گیاهان
- ۷- فراگیر- ایالت آمریکا - سوراخی در لاستیک
- ۸- متضاد «اخروی» - فراموشی - نام دخترانه روسی
- ۹- آتشفشان اروپا- رودخانه آذربایجان غربی - تنابه
- ۱۰- نقاش «گل‌های آفتابگردان» - نوعی داستان - بیایی
- ۱۱- صوت درد - خودروی سنگین وزن - از توابع بجنورد
- ۱۲- نرم‌افزار انجام ویدئوکنفرانس از راه دور - شهر «هلند» - والد - سزاروار
- ۱۳- مسواده‌ای در «استانبول» - هرگوشه زمین فوتبال -

- ۱- حرکتی در ژیمناستیک - شهر «تپه باستانی
- ۱۴- مخلوط و آمیخته - تام مردانه - سهولت
- ۱۵- ماده عایق کاری - ضربه پا در شکم در تکواندو

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

۱- کف دست یا پا را گویند - سریالی با

هنرمایی المپرادقانی (۱۴۰۰)

۲- هجوم - افزونه پول - خندان و مهربان

۳- سرزنش - فیلم رضا دستگار - وطن

۴- فروغ - بارکش شهری - رود «ترکمنستان»

۵- طرف رنگریزی - کیفیت برتر صدا - دارای قیمت بالا

۶- صفت جافو - تزویر - سبزی خوردنی - حرف خطاب

۷- اثر «جوفا اونیل» - محله «امامزاده یحیی» در

ورامین - مزرعه نقلی

افقی:

جدول ویژه

۱- کف دست یا پا را گویند - سریالی با

هنرمایی المپرادقانی (۱۴۰۰)

۲- هجوم - افزونه پول - خندان و مهربان

۳- سرزنش - فیلم رضا دستگار - وطن

۴- فروغ - بارکش شهری - رود «ترکمنستان»

۵- طرف رنگریزی - کیفیت برتر صدا - دارای قیمت بالا

۶- صفت جافو - تزویر - سبزی خوردنی - حرف خطاب

۷- اثر «جوفا اونیل» - محله «امامزاده یحیی» در

ورامین - مزرعه نقلی

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

متوسط								

خیلی سخت								

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

افقی:

افقی:

افقی:

افقی:

حل جدول ویژه شماره ۸۸۸۲

افقی: